

شبکه‌های اجتماعی و سیاستگذاری فرهنگی:

بررسی وضعیت مدیریت دانش در شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده

دانشجویان دانشگاه‌های ممتاز شهر تهران

محمد صادق افراسیابی^۱، مسعود کوثری^۲، حسن بشیر^۳، حسین ابراهیم آبادی^۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱۸، تاریخ تایید: ۹۷/۱۰/۱۸

چکیده

امروزه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان مختلف با سبک زندگی دانشجویان گره خورده است. این شبکه‌ها در سرانه اینترنت مصرفی دانشجویان جایگاه مهمی پیدا کرده و به نظر می‌رسد عادت‌واره دانشجویان در حوزه‌های مختلف نظیر مطالعه، تفریح، اطلاع از آخرین اطلاعات، اخبار و سایر زمینه‌های سبک زندگی، تحت تأثیر شبکه‌های مذکور قرار گرفته است. این پژوهش در تلاش است تا به این سؤال پاسخ دهد که استفاده دانشجویان از شبکه‌های اجتماعی برای تحقق رسالت‌های نظام دانشگاهی خصوصاً مدیریت دانش نیازمند چه راهبردهایی از جنس سیاستگذاری فرهنگی است؟

برای پاسخ‌گویی به سؤال مذکور از دو روش پژوهش کمی و کیفی استفاده شده است. برای بررسی شیوه استفاده دانشجویان از شبکه‌های اجتماعی از روش پیمایش با نمونه‌گیری به شیوه تصادفی در میان دانشجویان ۷ دانشگاه ممتاز شهر تهران و برای ارائه راهبردهایی از جنس سیاستگذاری فرهنگی از ابزار مصاحبه با ۱۴ استاد دانشگاه شناخته شده در عرصه مطالعات فضای مجازی استفاده شده است.

براساس یافته‌های پژوهش، رویکرد اکثریت دانشجویان، صرفاً اشتراک‌گذاری مطالب دیگران است. ۲۵/۵ درصد دانشجویان در اولویت اول خود اعلام کردند که تمایل آنها صرفاً اشتراک‌گذاری مطالب دیگران است و تنها ۱۱/۷ درصد دانشجویان اعلام کردند که در اولویت اول خود به تولید محتوا گرایش دارند. ۲۳ درصد دانشجویان نیز به‌مرور صرف مطالب گرایش داشته و ۱۸ درصد دانشجویان به دانلود گرایش دارند. این امر بیانگر مصرف‌گرا بودن دانشجویان ایرانی در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان است. عمده محتوای مصرفی دانشجویان، اخبار، اطلاعات و تحلیل‌های سیاسی است. به‌گونه‌ای که ۲۱/۴ درصد دانشجویان اذعان کردند که در اولویت اول خود اخبار، اطلاعات و تحلیل‌های سیاسی را با دیگران به اشتراک می‌گذارند. ۱۷/۸ درصد دانشجویان به‌سوی اشتراک‌گذاری طنز و جوک گرایش دارند و تنها ۱۳/۴ درصد دانشجویان به‌سوی اشتراک‌گذاری مطالب درسی و علمی گرایش دارند. بنابراین به‌نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان در کشور نتوانسته‌اند به ابزار مدیریت دانش در دانشگاه‌ها تبدیل شوند. دلایل این امر و ارائه راهبردهایی از جنس سیاستگذاری از طریق مصاحبه عمیق با اساتید، مورد توجه قرار گرفته است. همچنین نتایج مصاحبه عمیق حکایت از آن دارد که در حوزه سیاست‌های راهبردی نیازمند ترویج تفکر انتقادی و افزایش سواد رسانه‌ای در میان دانشجویان، اساتید و مسئولین دانشگاه‌ها هستیم. علاوه بر این، سیاستگذاری‌های هم‌زمان در عرصه‌های سخت‌افزاری (ایجاد شبکه‌های تخصصی ...) و نرم‌افزاری (اختصاص بودجه به حوزه تولید محتوا، تدوین آیین‌نامه‌هایی برای تشویق اساتید و دانشجویان به تولید محتوای علمی، اصلاح ساختار اجتماعی متناسب با سبک زندگی شبکه‌ای ...) ضرورت دارد.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی، سبک زندگی، دانشجویان تهرانی، دانشگاه‌های ممتاز، سیاستگذاری فرهنگی

۱ دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (Afrasyabi@gmail.com)

۲ دانشیار دانشگاه تهران (mkousari@ut.ac.ir)

۳ استاد تمام دانشگاه امام صادق (ع) (drhbashir100@gmail.com)

۴ دانشیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (h.ebrahima@gmail.com)

مقدمه و تعریف مسئله

امروزه شاهد جریان عظیم زندگی در فضای مجازی هستیم. مفهوم زندگی دوم^۱ بیانگر واقعی بودن فضای مجازی و جریان داشتن زندگی در فضای مجازی است. کاستلز^۲ معتقد است در فضای جدید، معنای جوامع بازسازی شده و نگاه به جوامع به‌عنوان «مکان فیزیکی» تبدیل به «فضای جریان‌ها»^۳ می‌شود (Castells, 1993: 475-488). هم‌زمان با انقلاب اطلاعاتی، شکل‌گیری جوامع اطلاعاتی و توسعه جوامع شبکه‌ای، روز به روز بر اهمیت دانش به‌عنوان منبعی عظیم برای برتری در رقابت‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی افزوده شده و این امر تا جایی پیش رفته است که در اقتصاد دانش محور، منشأ قابل‌اطمینان و اتکاء مزیت رقابتی، تولید، به اشتراک‌گذاری و بکارگیری اطلاعات است (عالم تبریز و باقرزاده آذر، ۱۳۸۷: ۹۳). بنابراین در عصر حاضر «گروه‌های موفق اجتماعی کسانی هستند که بتوانند سرمایه‌های علمی خود را به‌شکل پایدار و با ثبات در قالب فعالیت‌های عملیاتی مدیریت کنند تا اهداف خود را به سر انجام رسانده و به بهره‌وری بالاتری دست‌یازند» (Droge et al, 2003: 541). شواب، آوجی و کاماچو تاکنون معتقدند که شبکه‌های اجتماعی، مکانیزم‌های قدرتمندی برای تسهیم دانش و اطلاعات هستند و به‌منظور توسعه پایدار، ارتقا می‌یابند (شواب، آوجی و کاماچو، ۱۳۹۶: ۱۵). از سوی دیگر «یکی از مهم‌ترین منابع قدرت تأثیرگذار در توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه، دانشگاه‌ها هستند که مرکز تولید و اشاعه علم و فکر و فرهنگ هستند» (اشتیاقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

بر همین اساس به‌نظر می‌رسد چنانچه از شبکه‌های اجتماعی در نهاد دانشگاه برای مدیریت دانش و اطلاعات استفاده شود، می‌توان از این بستر برای توسعه علمی، آموزشی و پژوهشی کشور با هدف نیل به توسعه پایدار بهره‌برداری نمود. در همین خصوص کروس^۴ نشان می‌دهد که چگونه تشکیل گروه‌های مجازی در زمینه آموزش و یادگیری باعث افزایش مشارکت علمی دانشجویان می‌شود (Cross, 1998: 4-11). شاید بتوان گفت به‌اشتراک‌گذاری دانش یکی از کارکردهای شبکه‌های اجتماعی در دانشگاه‌های برخی کشورهای جهان است. در این کشورها شاهد تشکیل گروه‌هایی مجازی برای تولید علم، به‌اشتراک‌گذاری دانش هستیم (Bielaczyc, 1999: 269-291).

1 Second Life

2 Castells

3 Space of Flows

4 Cross

همچنین در مصاحبه‌های انجام‌شده با اعضای گروه‌های مجازی، درصد زیادی از ایشان اظهار کرده‌اند که از طریق مشارکت در مباحث علمی و دانشگاهی نیازهای علمی و آموزشی آنها تا حدود زیادی برآورده شده است (Rovai, 2002: 197-211). بنابراین گسترش شبکه‌های اجتماعی و استفاده از اینترنت هر چند از یک سو منجر به توسعه ارتباطات انسانی در میان جوامع مختلف شده است، از سوی دیگر باعث ایجاد شبکه‌هایی در میان دانشجویان، دانشگاه‌ها و سایر اقشار علمی - پژوهشی شده و نویدبخش نقش مهم شبکه‌های اجتماعی در ارتباط با موضوع یاد شده است. صرف نظر از ظرفیت بالقوه شبکه‌های اجتماعی در به‌اشتراک‌گذاری دانش و اطلاعات، در این مقاله به این سؤال پاسخ داده خواهد شد که استفاده دانشجویان از شبکه‌های اجتماعی برای تحقق رسالت‌های نظام دانشگاهی خصوصاً مدیریت دانش نیازمند چه راهبردهایی از جنس سیاستگذاری فرهنگی است؟

بر همین اساس، در بخش اول این مقاله تلاش شده است تا با هدف پاسخ‌گویی به سؤال مذکور با بیان نظرات و نظریات مرتبط با موضوع شبکه‌های اجتماعی، ضمن ارائه تصویری از تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی در حوزه‌های علمی تخصصی، مدلی برای استفاده بهینه از شبکه‌های اجتماعی در امر یاد شده ترسیم شود. در بخش دوم از طریق انجام پیمایش به روش تصادفی، وضعیت کنونی استفاده دانشجویان دانشگاه‌های ممتاز شهر تهران از شبکه‌های اجتماعی بیان شده است. در نهایت با استفاده از انجام مصاحبه‌های عمیق تا حد اشباع با کارشناسان، پژوهشگران و اساتید خبره در حوزه فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی، مدیریت آموزشی و سیاستگذاری فرهنگی، راهبردهایی از جنس سیاستگذاری فرهنگی برای بهبود و ارتقای وضعیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای موضوع مذکور پیشنهاد شده است. لازم به ذکر است پیش از انجام پیمایش و مصاحبه‌های عمیق، سه جلسه گروه کانونی^۱ برگزار شد تا هم شاخص‌های مد نظر برای طراحی سؤالات پیمایش مشخص شود و هم مهم‌ترین محورهای مصاحبه‌های عمیق مشخص شود.

دانشجویان، شبکه‌های اجتماعی و مدیریت دانش

بر اساس مطالعات انجام‌شده توسط سعاد محمد^۲ حضور در شبکه‌های اجتماعی بخشی از زندگی روزانه هر دانشجو است (Saad Mohamed, 2015: 16) و به تعبیر جوردانو^۳ استفاده از شبکه‌های اجتماعی در میان دانشجویان به قدری افزایش یافته است که دیگر سؤال مطالعات

1 focus group

2 Saad Mohamed

3 Giordano

پژوهشی این نیست که آیا دانشجویان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند یا خیر؟ بلکه سؤال این است که دانشجویان چگونه و با چه اهدافی از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند (Giordano, 2011: 78-81). بر اساس آخرین نظر سنجی انجام‌شده توسط مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران^۱، استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان افراد دارای تحصیلات دانشگاهی، به‌مراتب بیشتر از سایرین است. به این ترتیب که ۷۵ درصد افراد دارای تحصیلات دانشگاهی، عضو حداقل یکی از شبکه‌های اجتماعی هستند، در حالی که این میزان برای افراد دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر برابر با ۳۹ درصد است (ایسپا، ۱۳۹۴: ۲۶). صرف نظر از اینکه در ایران وضعیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی در میان دانشجویان چگونه است، مطالعات مارگارین^۲ و لیتل جان^۳ حاکی از آن است که شرکت در مباحث گروهی به یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر زندگی دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده است (Margaryan & Littlejohn, 2011: 429-440). همچنین ادبیات حاکم بر برخی مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در سطح جهان حاکی از آن است که گروهی از پژوهشگران معاصر معتقدند در صورت طراحی گروه‌های کلاسی در شبکه‌های اجتماعی و استفاده صحیح از ابزار مذکور در دانشگاه‌ها، شاهد بهبود عملکرد درسی دانشجویان خواهیم بود. به‌عنوان مثال برهومی^۴ معتقد است استفاده از نرم‌افزار واتس‌آپ^۵ و تشکیل اجتماعات آنلاین درسی، باعث تقویت همکاری و مشارکت‌های علمی دانشجویان در زمینه‌های مختلف هم در خانه و هم در دانشگاه شده و باعث می‌شود دانشجویان به بحث دربارهٔ محتوای آموزشی تدریس شده در کلاس بپردازند (Barhoumi, 2015: 223). استفاده از شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای مدیریت دانش در دانشگاه‌های جهان، امری است که در پژوهش استریجیوس^۶ و فیشر^۷ هم به آن اشاره شده است. استریجیوس و فیشر در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که استفاده هدفمند از شبکه‌های اجتماعی در میان دانشجویان با حضور حداقل یک مدرس و یا مجموعه‌ای از اساتید دانشگاه‌ها با هدف به‌اشتراک‌گذاری دانش باعث افزایش سطح یادگیری و آموزش دانشجویان می‌شود (Strijbos & Fischer, 2007: 389-393). همچنین مطالعات مرسیر و هیگینز^۸ به نقل از برهومی از طریق بررسی یک گروه مجازی که در حوزهٔ علوم ریاضی فعالیت می‌کرد، نشان داد که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به افزایش انگیزهٔ علمی دانشجویان و نگرش مثبت ایشان

1 Iranian Student Polling Agency (ISPA)

2 Margaryan

3 Littlejohn

4 Barhoumi

5 WhatsApp

6 Strijbos

7 Fischer

8 Mercer and Higgins

نسبت به فعالیت‌های علمی منجر شوند (Barhoumi, 2015: 225). مطالعات دیگری هم وجود دارد که نتایج آنها نشان می‌دهد که بر خلاف تصور عده‌ای که معتقدند شبکه‌های اجتماعی صرفاً کارکرد سرگرمی دارند، می‌توان با آموزش و فرهنگ‌سازی از شبکه‌های مذکور برای کارکردهای علمی، آموزشی و پژوهشی استفاده کرد. به‌عنوان نمونه مطالعات کرسچنر^۱ و کارپینسکی^۲ در میان کاربران امریکایی نشان می‌دهد افرادی که عضو فیس‌بوک هستند در مقایسه با افراد دیگر، عملکرد تحصیلی بهتری داشته‌اند. علاوه بر این، هرچه میزان ساعات استفاده از این شبکه‌ها در میان کاربران افزایش یافته است، به تناسب آن عملکرد تحصیلی نیز رشد پیدا کرده است (Kirschner & Karpinski, 2010: 1237). همچنین در پژوهش دیگری با عنوان مطالعه موردی استفاده از فیس‌بوک در تدریس دانشگاهی کشور رومانی، ۵۷ درصد دانشجویان اظهار کرده‌اند که ترجیح می‌دهند تکالیف درسی خود را در گروه‌های کلاسی ایجاد شده در فیس‌بوک انجام دهند. ۳۰ درصد دانشجویان اظهار کرده‌اند که استفاده از فیس‌بوک باعث افزایش قدرت خلاقیت و انگیزه‌های پژوهشی آنها شده است و ۴۴ درصد هم اظهار کرده‌اند که فیس‌بوک باعث افزایش تمایل دانشجویان به استفاده از منابع اطلاعاتی و دانش لاتین شود (Grosbeck et al, 2011: 1428). بنابراین می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های پیام‌رسان در صورت آموزش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی به دانشجویان و آموزش نحوه استفاده صحیح از این شبکه‌ها می‌توانند به منبعی برای به‌اشتراک‌گذاری دانش و در نتیجه ابزاری برای مدیریت دانش تبدیل شده و بر اساس اعتقاد نیلسون به گفته هانگ ارتباطات ناشی از شبکه‌های اجتماعی منجر به تولید دانش جدید می‌شود که برای بیان آن از واژه خلق دانش استفاده می‌نماییم. این مفهوم، بیان‌کننده هم‌افزایی در دانش است. به‌عبارت دیگر اشتراک دانش بین افراد مختلف منجر به ایجاد دانشی می‌شود که بالاتر از مجموع دانش هر فرد است (Huang, 2006: 122).

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به فقدان منابع بومی در کشور و ادبیات متناسب با کارکرد شبکه‌های اجتماعی در مدیریت دانش، به‌نظر می‌رسد لازم است با انجام مطالعات اسنادی، زمینه‌ای برای درک چگونگی ارتباط میان دو پدیده شبکه‌های اجتماعی و موضوع مذکور فراهم شود. این مقاله در تلاش است تا از طریق مطالعات اسنادی برای پیوند ادبیات مربوط به این دو موضوع اقدام نماید. در ادامه، از طریق یافته‌های یک پیمایش در سطح دانشگاه‌های ممتاز شهر تهران که

1 Kirschner

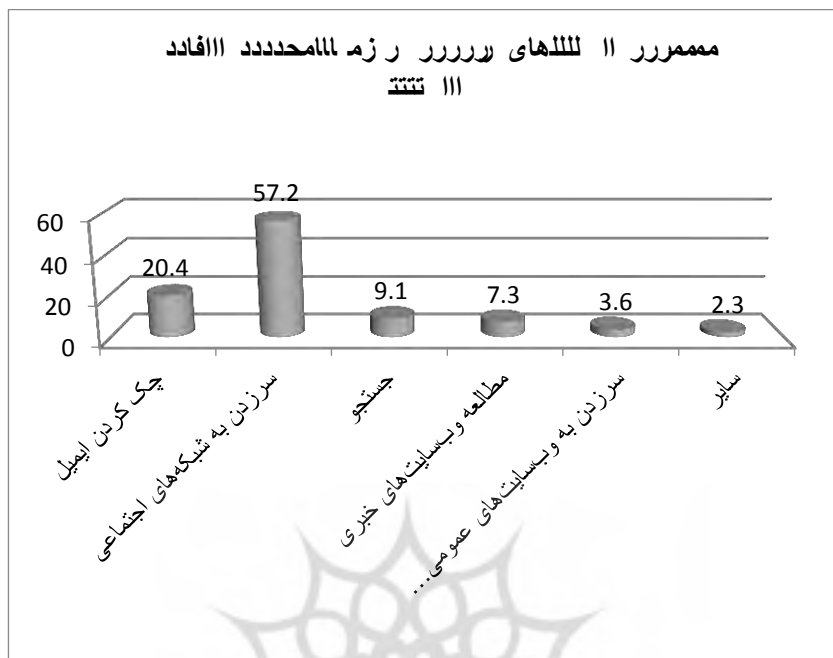
2 Karpinski

برای پژوهش رساله دکتری پژوهشگر انجام شده است، تلاش می‌کند به بررسی وضعیت فعلی دانشجویان دانشگاه‌های مذکور در زمینه استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای موضوع یاد شده توجه کند و در نهایت از طریق انجام مصاحبه عمیق تا حد اشباع، راهکارهایی برای استفاده بهتر از شبکه‌های اجتماعی برای این امر ارائه می‌دهد. همچنین پیش از انجام پیمایش و مصاحبه‌های عمیق و پس از مطالعات کتابخانه‌ای، نسبت به برگزاری سه جلسه فوکوس‌گروپ اقدام شد تا سؤالات پیمایش و محورهای مصاحبه‌های عمیق بر اساس مبنای علمی و خروجی جلسات فوکوس‌گروپ طراحی شود. بنابراین از روش پژوهشی تلفیقی استفاده نموده‌ایم. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه‌های ممتاز تهران هستند. بر اساس رتبه بندی انجام شده از سوی پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، اسامی ۷ دانشگاه برتر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۵ - ۱۳۹۶ به ترتیب عبارت‌اند از: دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه علم و صنعت ایران، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه علامه طباطبایی (دهقانی، ۱۳۹۷). طبق آمار رسمی اعلام شده توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵، جمعاً ۴ میلیون و ۳۴۸ هزار و ۳۸۳ نفر در مقاطع مختلف تحصیلی در کشور دانشجو بوده‌اند که ۸۷۲ هزار و ۹۶۴ نفر دانشجوی دانشگاه‌های شهر تهران هستند. از این تعداد ۴۸۲۴۳۶ نفر در دانشگاه‌های دولتی مشغول به تحصیل هستند. دو روش متداول برای تعیین حجم نمونه، استفاده از فرمول شارل مورگان و جدول کوکران می‌باشد. در صورتی که جامعه آماری برابر با ۴۸۲۴۳۶ نفر باشد، حجم نمونه با خطای ۵٪ برابر با ۳۸۴ نفر خواهد بود. از آنجا که پژوهشگر تمایل دارد که حجم نمونه آماری برای دریافت اطلاعات بهتر و دقیق‌تر، بزرگ‌تر باشد، لذا در فرمول شارل کوکران درصد خطای مجاز را به ۱ درصد کاهش می‌دهیم که باعث افزایش حجم نمونه آماری به ۷۰۰ نفر می‌شود. روش نمونه‌گیری در این پژوهش برای جامعه آماری، روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای است. در این روش دانشجویان به چند گروه ناهم‌پوش (طبقه) تقسیم‌بندی و از هر طبقه، نمونه‌گیری تصادفی انجام می‌شود. از آنجا که تعداد دقیقی از دانشجویان هر دانشگاه به تفکیک در اختیار نداشتیم، تصمیم گرفتیم تا به هر دانشگاه سهمیه برابری داده شود. به عبارتی وزن هر دانشگاه یکسان در نظر گرفته شد. از آنجا که ما تعداد نمونه را به ۷۰۰ نفر افزایش دادیم، سهم هر دانشگاه ممتاز شهر تهران (دانشگاه‌های تهران، علامه، شهید بهشتی، صنعتی شریف، علم و صنعت، تربیت مدرس و امیرکبیر) ۱۰۰ نفر برآورد شد. از آنجا که انجام آزمون‌های تحلیل واریانس نیازمند این امر است که هر یک از نمونه‌ها، حداقل شامل ۳۰ نفر باشد و با توجه اینکه تعداد دانشجویان لیسانس از دو گروه فوق لیسانس و دکترا بیشتر بودند، برای لیسانس‌ها سهم ۴۰ نفری و برای دو گروه دیگر سهم ۳۰ نفری در نظر گرفتیم. تنها استثناء در این مورد،

دانشگاه تربیت مدرس است که در آن دانشجویان تنها در دو مقطع فوق لیسانس و دکتری تحصیل می‌کنند که سهم هر گروه ۵۰ نفر مشخص شد. در نهایت فهرستی از تعداد دانشکده‌های هر دانشگاه انتخاب شده و به صورت تصادفی در هر دانشگاه، چهار دانشکده برای مقطع لیسانس، سه دانشکده برای مقطع فوق لیسانس و سه دانشکده برای مقطع دکترا انتخاب شدند که سهم هر دانشکده، ۱۰ نفر در نظر گرفته شد. در دانشکده تربیت مدرس نیز پنج دانشکده در مقطع فوق لیسانس و پنج دانشکده در مقطع دکتری به شیوه تصادفی انتخاب شد. در هر یک از دانشکده‌ها، یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب شده و مطابق با دستورالعملی که گفته شد و با حضور در سر کلاس‌های درسی به صورت تصادفی پرسشنامه‌ها توزیع شده و یافته‌ها گردآوری شدند. همچنین در ادامه با اساتید، کارشناسان و پژوهشگرانی که دارای سوابق کار مطالعاتی و پژوهشی در زمینه فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی، مدیریت آموزشی و سیاستگذاری فرهنگی بودند، تا حد اشباع نظری، مصاحبه عمیق انجام شد و نسبت به تحلیل عمیق نتایج پیمایش و ارائه راهبردهایی از جنس سیاستگذاری برای بهبود و ارتقای استفاده دانشجویان از شبکه‌های اجتماعی برای مدیریت دانش، اقدام صورت پذیرفت. تعداد کارشناسان، پژوهشگران و اساتید خبره مذکور که همگی دارای یکی از رتبه‌های علمی استاد تمامی، دانشیاری و استادیاری بوده و یا عضو هیئت علمی یکی از دانشگاه‌ها یا پژوهشگاه‌ها و یا مؤسسات پژوهشی بودند به ۱۴ نفر رسید که اسامی و سوابق علمی ایشان در پژوهش مربوط به رساله دکتری به شکل کامل ذکر شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این پژوهش برای اینکه جایگاه استفاده از شبکه‌های اجتماعی را در سبک زندگی دانشجویان مشخص کنیم، ابتدا از دانشجویان سؤال کردیم اگر فقط نیم ساعت فرصت داشته باشید از اینترنت استفاده کنید، چه فعالیتی را دنبال خواهید کرد؟ چنانچه در نمودار شماره ۱ قابل مشاهده است ۵۷/۲ درصد دانشجویان پاسخ دادند در چنین شرایطی از شبکه‌های اجتماعی استفاده خواهند کرد. این امر بیانگر اولویت استفاده از شبکه‌های اجتماعی در سبک زندگی دانشجویان است.



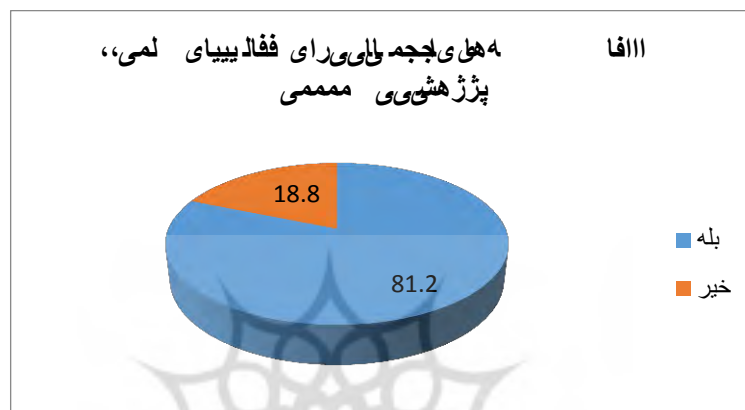
نمودار شماره (۱) مهم‌ترین اولویت‌های کاربران برای استفاده از فضای مجازی در زمان محدود

حسن بشیر در مصاحبه عمیق انجام‌شده با وی دلیل این امر را چنین ارزیابی می‌کند: «ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی برای ارضای حس راحتی طلبی، سرعت کار، سرعت دسترسی و ایجاد زمینه حضور هم‌زمان انبوه کاربران در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، مهم‌ترین دلیل این امر است». محمد مهدی فتوره‌چی نیز معتقد است: «نیاز به برقراری ارتباط با اقوام و دوستان به‌عنوان یک نیاز عاطفی و نیز برساخت هویت فردی و نیاز به دریافت فوری اطلاعات و اخبار مهم و تخصصی منتشره در گروه‌ها و کانال‌های متبوع کاربر، دلیل این امر است».

علاوه بر این، برخی از اساتید در مصاحبه عمیق به این موضوع اشاره کردند که دانشجویان، دچار نوعی فرسودگی شده‌اند و شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها برای آنها به‌مثابه فرصتی برای تخلیه روانی محسوب می‌شود. «نیومن درباره فرسودگی معتقد است فرسودگی تحصیلی امری است که باعث کاهش شور و شوق دانشجویان به آموزش و یادگیری شده است و ناشی از بار اضافی تحصیلی است» (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۶: ۵۲).

در دومین سؤال از دانشجویان پرسیدیم آیا تا کنون از شبکه‌های اجتماعی برای فعالیت‌های علمی، آموزشی و پژوهشی استفاده کرده‌اند یا خیر؟ این سؤال به ما کمک می‌کند تا ببینیم ظرفیت بالقوه شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان برای مدیریت دانش چگونه است؟ حدود ۸۱

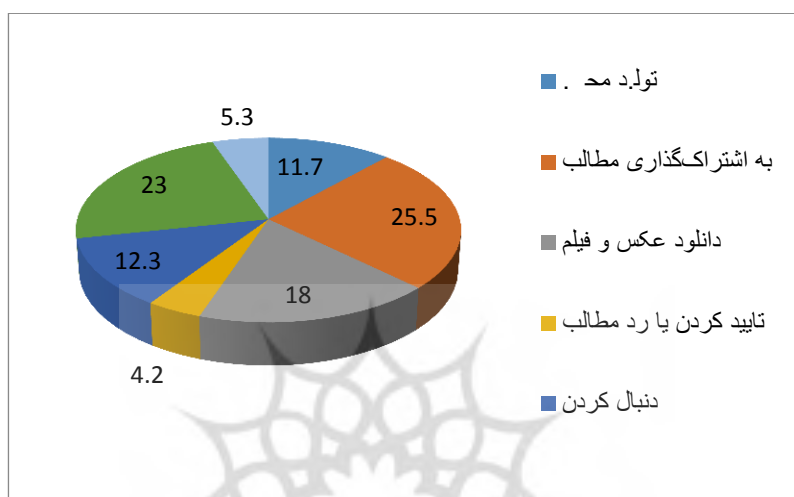
درصد دانشجویان اعلام کردند که از شبکه‌های اجتماعی برای فعالیت‌های علمی، آموزشی و پژوهشی استفاده کرده‌اند و تنها حدود ۱۹ درصد بیان کردند که تا کنون از این شبکه‌ها برای فعالیت‌های علمی، آموزشی و پژوهشی استفاده نکرده‌اند که این امر بیانگر نگرش مثبت دانشجویان برای استفاده‌های علمی، آموزشی و پژوهشی از شبکه‌های اجتماعی است. نتایج در نمودار شماره ۲ نمایش داده شده است.



نمودار شماره ۲) میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها برای امور علمی و آموزشی

مسئله مهم دیگر رویکرد افراد در استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی است. این رویکردها نوع فعالیت و حضور افراد در فضای مجازی را نشان می‌دهد. هم‌اکنون یکی از مسائل اصلی این است که افراد خصوصاً دانشجویان در فضای مجازی چه نوع رویکردی دارند. رویکردهای مذکور شامل تولید، توزیع و مصرف محتوا و استفاده از خدمات یا ارائه خدمات است. طبیعتاً اگر رویکرد اصلی دانشجویان مصرف و توزیع محتوا و صرفاً استفاده از خدمات باشد، فرآیند مدیریت دانش به شکل مناسبی صورت نخواهد پذیرفت. چراکه فرآیند مذکور درصدد به اشتراک‌گذاری دانش با هدف تولید دانش جدید است. محمد سلطانی‌فر در این خصوص معتقد است: «فضای مجازی به‌خاطر جذابیت‌های آن مورد اقبال عمومی قرار گرفته است. آن چیزی که امروز مهم است تولید محتوا و مدیریت محتوا است. راهکار مدیریت محتوا هم تولید محتوای بیشتر توسط نخبگان است و در فضای مجازی کسی برنده است که محتوای بیشتر و جذاب‌تر تولید کند» (سلطانی‌فر، ۱۳۹۴). در همین زمینه از پاسخ‌گویان خواستیم تا بر اساس اولویت‌های سه‌گانه، مهم‌ترین رویکردهای خود در استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی را مشخص کنند:

همان‌طور که یافته‌های نمودار زیر نشان می‌دهد، مهم‌ترین رویکرد پاسخ‌گویان به اشتراک‌گذاری مطالب با ۲۵/۵ درصد بوده است و پس‌از آن دانلود عکس و فیلم و در نهایت دنبال کردن بوده است.



نمودار شماره (۳) اولویت اول کاربران در استفاده از شبکه‌های اجتماعی

این امر مبین یکی از نقاط ضعف استفاده از شبکه‌های اجتماعی در میان دانشجویان است. چراکه بیانگر این است که الگوی استفاده از شبکه‌های اجتماعی در میان دانشجویان به سمت مصرف‌گرایی دارد و الگوی منطبق بر تولید محتوای علمی، آموزشی و پژوهشی الگوی اصلی استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان نیست. علیرضا دهقان نیری در این خصوص معتقد است: «الان ما در شبکه‌های اجتماعی بیشتر مصرف‌کننده یا توزیع‌کننده هستیم. به جای اینکه تولید کنیم، به سمت توزیع‌گرایی داریم. اکثریت دانشجویان در توزیع مشارکت دارند، ولی تعداد کمی در تولید مشارکت دارند. اکثراً انتقال‌دهنده مطالب هستند. برای اصلاح این وضعیت نیاز به کار فرهنگی و آموزشی است. باید این مسائل در قالب کارگاه‌های آموزشی و برنامه‌های فرهنگی به دانشجویان آموزش داده شود تا از این حالت در بیاید و تولید محتوا را جدی بگیرد».

در چهارمین سؤال خود به این موضوع پرداختیم که دانشجویان از کدام شبکه اجتماعی برای فعالیت‌های علمی، آموزشی و پژوهشی مرتبط با دروس استفاده می‌کنند. ملاحظه کردیم که در اولویت اول، بیشترین استفاده برای فعالیت‌های علمی، مربوط به تلگرام است که ۸۶/۵ درصد را به خود اختصاص داده و پس از آن لینکدین با ۴/۴ درصد و فیس‌بوک با ۲/۴ درصد

قرار دارند. این امر بیانگر آن است که عدم حضور شبکه‌های اجتماعی تخصصی بومی در زیست بوم فضای مجازی، عدم معرفی شبکه‌های تخصصی جهانی (نظیر لینکدین) به دانشجویان و حضور اکثریت دانشجویان و اساتید در تلگرام باعث شده است که دانشجویان چاره‌ای نداشته باشند جز اینکه از تلگرام برای فعالیت‌های علمی، پژوهشی و آموزشی خود استفاده نمایند. از این منظر، وضعیت فضای مجازی ایران به گونه‌ای است که جایگاه مشخصی برای شبکه‌های اجتماعی علمی و تخصصی در نظر نگرفته است و این امر در مقایسه با وضعیت فضای مجازی سایر کشورهای جهان خصوصاً کشورهای توسعه‌یافته امری نامتعارف محسوب می‌شود.

صرف نظر از مواردی که مطرح شد، یکی دیگر از مهم‌ترین مباحث، توصیف شیوه حضور دانشجویان در زیست بوم فضای مجازی کشور است. به همین منظور در پنجمین سؤال، فهرستی از مهم‌ترین اولویت‌های مصرف دانشجویان برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان طراحی شد و از پاسخ‌گویان خواستیم تا بر اساس اولویت‌های پنج‌گانه، مهم‌ترین اهداف خود را از حضور در این شبکه‌ها بیان کنند. جدول شماره ۲ حاوی اولویت افراد برای استفاده از این شبکه‌ها است. همان‌طور که یافته‌های جدول مذکور نشان می‌دهد، اخبار، اطلاعات و تحلیل‌های سیاسی، مهم‌ترین اولویت افراد برای استفاده از شبکه‌های مجازی است. ارتباط با همکلاسی‌ها در رتبه دوم و تفریح و سرگرمی نیز در رتبه سوم قرار گرفته است. استفاده از اطلاعات علمی و مطالب درسی نیز رتبه چهارم اولویت اول دانشجویان را به خود اختصاص داده. سایر اولویت‌ها و میزان گرایش پاسخ‌گویان به مقوله‌های مختلف نیز در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۱ (۱) اولویت‌های استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها

اولویت پنجم	اولویت چهارم		اولویت سوم		اولویت دوم		اولویت اول		موضوعات	
	د ف	ف	د ف	ف	د ف	ف	د ف	ف		
۷/۶	۴۱	۶/۷	۳۹	۷/۳	۴۸	۵/۷	۳۹	۱۳/۵	۹۳	طنز و جوک
۷/۶	۴۱	۲/۹	۱۷	۵/۴	۳۶	۱۲/۵	۸۵	۲۲/۸	۱۵۷	اخبار و تحلیل‌های سیاسی
۲/۸	۱۵	۱۲/۲	۷۱	۱۱/۴	۷۷	۵/۷	۳۹	۴/۱	۲۸	مطالب ورزشی
۷/۳	۳۹	۸/۷	۵۱	۱۲/۶	۸۳	۱۲/۸	۸۷	۱۰/۹	۷۵	اطلاعات علمی و مطالب درسی
۹/۱	۴۹	۱۲/۲	۷۱	۱۳/۳	۸۸	۱۲/۴	۸۴	۴/۶	۳۲	اخبار کلاس‌های درسی
۸	۴۳	۸/۶	۵۰	۷/۶	۵۰	۱۷/۴	۱۱۸	۱۹/۶	۱۳۵	ارتباط با همکلاسی‌ها
۷/۱	۳۸	۳/۴	۲۰	۲/۱	۱۴	۵/۹	۴۰	۵/۲	۳۶	موسیقی

ادامه جدول شماره (۱) اولویت‌های استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها

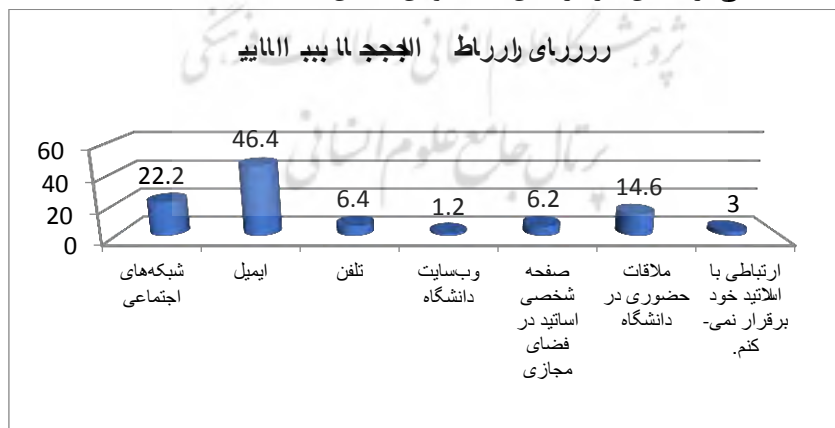
اولویت اول		اولویت دوم		اولویت سوم		اولویت چهارم		اولویت پنجم		موضوعات
د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	د	ف	
۳	۰/۴	۷۲	۱	۷۶	۱۱/۵	۴۶	۷/۹	۱۷	۳/۲	ارتباط با اساتید
۶۹	۱۰	۵	۱۰/۶	۷	۱/۱	۶	۱	۵۰	۹/۳	ارتباط خانوادگی
۱	۰/۱	۸	۰/۷	۱۴	۲/۱	۱۳	۲/۲	۱۴	۲/۶	مسائل جنسی
۷	۱	۵	۱/۲	۷	۱/۱	۱۷	۲/۹	۲۴	۴/۵	مطالب مذهبی و دینی
۳	۰/۴	۴	۰/۷	۳	۰/۵	۸	۱/۴	۹	۱/۷	خرید و فروش
۱	۰/۱	۴۴	۰/۶	۵۸	۸/۸	۶۱	۱۰/۴	۸	۱/۵	آشپزی
۳۷	۵/۴	۳۷	۶/۵	۴۴	۶/۷	۶۱	۱۰/۴	۷۲	۱۳/۴	اطلاعات عمومی
۱۱	۱/۶	۶	۵/۴	۱۲	۱/۸	۱۰	۱/۷	۶۳	۱۱/۷	فیلم‌ها و ویدئوهای کوتاه
۲	۰/۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۴	۲/۶	کاریابی و اشتغال
۶۹۰	۱۰۰	۶۸۰	۱۰۰	۶۶۱	۱۰۰	۵۸۴	۱۰۰	۵۳۷	۱۰۰	مجموع

بررسی اطلاعات جدول ارائه‌شده، بیانگر این است که اولاً استفاده از اطلاعات علمی و مطالب درسی به‌عنوان اولویت اول، رتبه چهارم را داراست. ثانیاً مناسب است تا دانشگاه، اماکنی را با فضای مناسب برای اطلاع دانشجویان از آخرین اخبار، اطلاعات و تحلیل‌های سیاسی، ارتباط هم‌کلاسی‌ها با یکدیگر و تفریح و سرگرمی طراحی کند تا نیازهای دانشجویان در این عرصه‌ها برآورده شود و نیازی نباشد تا دانشجویان، شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها را به‌عنوان مهم‌ترین مرجع تأمین نیازهای خود در این زمینه‌ها مد نظر قرار دهند. این امر از آن جهت مهم است که اولویت پیدا کردن شبکه‌های اجتماعی در زیست بوم فضای مجازی کشور برای ارضای این‌گونه نیازها، باعث می‌شود تا فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی قدرت خود را برای مدیریت دانش در میان دانشجویان از دست بدهند.

انتظاری در پاسخ به این سؤال که چرا در ایران استفاده مناسب از شبکه‌های اجتماعی برای موضوع مذکور، اولویت اول دانشجویان دانشگاه‌های کشور نیست، معتقد است: «شبکه‌های مجازی در کشورهای توسعه‌یافته به‌شکل طبیعی و بر اساس نیازهای علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سایر ابعاد زندگی روزمره ایجاد شده است، اما در ایران شاهد شکل‌گیری فضای مجازی به‌شکل تصنعی هستیم» (انتظاری، ۱۳۹۵: ۳۵)، اما در قبال این پرسش که چرا دنبال کردن اخبار، اطلاعات و تحلیل‌های سیاسی در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، ظهور فراوان دارد، در جلسات مصاحبه بر این موضوع تأکید شد که در دانشگاه‌ها، نبود فضایی به‌مثابه سپهر عمومی دانشگاهی به‌شدت احساس می‌شود. همچنین برخی بر این باور بودند فضای امنیتی دانشگاه پس از دولت‌های نهم و دهم باعث کم‌شدن تحرکات سیاسی دانشجویان در فضای

واقعی و کوچ به فضای مجازی شده است. خانیکی نیز در این خصوص معتقد است: «از دانشگاهی که در دولت‌های نهم و دهم در سایه دوربین‌ها و دوربین‌ها و کورباش‌ها قرار گرفت، انفعال و بی‌تفاوتی و برکنارنشینی دانشگاهیان برآمد و فرصت‌های فراوان توسعه علمی به آسانی از دست رفت» (خانیکی، ۱۳۹۶: ۲۵۸).

در ادامه، پیمایش، در ششمین سؤال به ارزیابی این موضوع پرداختیم که شبکه‌های اجتماعی تا چه اندازه برای برقراری ارتباط دانشجویان با اساتید مورد استفاده قرار می‌گیرد. همان‌طور که در نمودار شماره ۴ مشاهده می‌شود، استفاده از ایمیل با ۴۶/۴ درصد بیشترین روش برای برقراری ارتباط با اساتید بوده و پس از آن شبکه‌های اجتماعی با ۲۲/۲ و سپس ملاقات حضوری با ۱۴/۶ درصد قرار گرفته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تنها ۱۴/۶ درصد دانشجویان برای ارتباط با اساتید خود از شیوه ملاقات حضوری استفاده می‌کنند. این در حالی است که به خوبی به این امر واقف هستیم که هیچ نوع ارتباطی نمی‌تواند جای ارتباطات حضوری را پر کند. به همین دلیل، سؤالی به ذهن می‌رسد که آیا این موضوع، ناشی از عدم پیش‌بینی فضایی مناسب و جذاب برای دیدارهای اساتید و دانشجویان است یا دلیل دیگری دارد؟ همچنین دلیل این امر که اکثر دانشجویان برای برقراری ارتباط با اساتید خود از ایمیل استفاده می‌کنند با توجه به اینکه مشاهده کردیم گرایش دانشجویان به شبکه‌های اجتماعی بسیار زیاد است، احتمالاً ناشی از این است که اکثر اساتید، زمان چندانی را به استفاده از شبکه‌های اجتماعی اختصاص نمی‌دهند و دانشجویان ناگزیر هستند از ارتباط ایمیلی استفاده کنند. این امر یعنی عدم حضور اساتید در شبکه‌های اجتماعی خود به‌عنوان یکی از موانع استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای مدیریت دانش مطرح است و باعث شده است تا قدرت شبکه‌های اجتماعی برای این امر در میان دانشجویان کاهش یابد.



نمودار شماره ۴ (۳) روش‌های برقراری ارتباط دانشجویان با اساتید

۵- بی‌ثباتی سیاست‌های حاکمیت در ارتباط با فضای مجازی مانند تصمیمات لحظه‌ای برای فیلتر و رفع فیلتر شبکه‌های اجتماعی.

در ادامه پژوهش با شناسایی وضعیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده دانشجویان و تحلیل یافته‌های پیمایش، در جلسات مصاحبه‌های عمیق تلاش شد تا راهکارهایی از جنس سیاستگذاری برای بهبود و ارتقای الگوی استفاده از شبکه‌های اجتماعی ارائه شود. بر همین اساس چهار سیاست کلان و مجموعه‌ای از برنامه‌های مشخص با هدف بهبود و ارتقای الگوی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده دانشجویان پیشنهاد شد که به جهت رعایت اختصار در این مجال صرفاً به معرفی سیاست‌های کلان مذکور به شرح زیر بسنده شده است:

- ۱- سیاست‌های فنی نظیر توسعه قالب‌های بومی با هدف طراحی شبکه‌های اجتماعی تخصصی بومی
- ۲- سیاست‌های فرهنگی اجتماعی نظیر تدوین مرانامه‌های اخلاقی، تلاش برای افزایش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی و...
- ۳- سیاست‌های مبتنی بر الگوسازی برای تغییر شرایط حاکم بر زیست بوم فضای مجازی کشور نظیر افزایش فعالیت‌های مشارکتی آموزشی در شبکه‌های اجتماعی و...
- ۴- سیاستگذاری‌های آموزشی و پژوهشی نظیر اصلاح قوانین و آیین نامه‌های اداری در دانشگاه‌ها و...

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از سؤالاتی که ذیل سؤال اصلی پژوهش مطرح می‌شود این است که اساساً آیا شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در امر مدیریت دانش ایفای نقش کنند یا خیر؟ نتایج پژوهش‌ها و مطالعات مختلفی که عمدتاً در سطح کشورهای توسعه‌یافته انجام شده است، نشان داد که شبکه‌های اجتماعی از ظرفیتی بسیار مهم برای این امر برخوردار هستند، اما نتایج پیمایش نشان داد که در ایران برای تولید محتوا به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی موضوع یادشده، دغدغه‌چندانی وجود ندارد. یکی از دلایل این امر می‌تواند غلبه قالب بر محتوا و غلبه نگاه فنی و مهندسی بر نگاه علوم انسانی در سیاستگذاری فضای مجازی کشور باشد. مثال‌ها و نمونه‌های متعددی می‌توان بیان کرد که بیانگر غلبه رویکرد فنی و مهندسی بر رویکرد مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسانه نسبت به فضای مجازی است. به‌عنوان نمونه در حالی که تا کنون برای ایجاد و توسعه شبکه ملی اطلاعات بیش از ۴۳۲ میلیارد تومان هزینه شده است (خبرگزاری تسنیم،

۱۳۹۷)، هیچ اخباری مبنی بر تخصیص بودجه و اعتبارات برای تولید محتوای مناسب، مفید و مؤثر برای دانشجویان و یا حتی سایر اقشار جامعه در رسانه‌های مختلف یافت نمی‌شود. همچنین در زمینه پرورش نیروی انسانی متبحر در حوزه تولید محتوا سرمایه‌گذاری خاصی به چشم نمی‌خورد. یکی دیگر از شواهد این مدعا سخنان دبیر شورای عالی فضای مجازی کشور است. ابوالحسن فیروزآبادی دبیر شورای عالی فضای مجازی کشور در دی ماه سال گذشته از ابلاغ مصوبه شورای عالی فضای مجازی کشور در خصوص حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی خبر داده و گفت: «به تمام پیام‌رسان‌های داخلی، وام بدون بهره تا سقف ۵ میلیارد تومان بدون ضمانت نامه و با سفته اعطا می‌شود. علاوه بر این برای حمایت از این پیام‌رسان‌ها به تمامی آنها مکان و تخفیف پهنای باند داده شده و هزینه استفاده مردم از پیام‌رسان‌های داخلی نیز با یک سوم تعرفه عادی محاسبه می‌شود» (فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۳۰). این مثال و مثال‌های متعدد دیگر که بیانگر غلبه رویکرد فنی و مهندسی بر رویکرد محتوایی و علوم انسانی است باعث شده است که کشور نتواند در حوزه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی متناسب با اقتضات جهانی عمل کند و همین امر باعث ضعف در حوزه تولید محتوا شده است. همچنین یافته‌های پژوهش، بیانگر این موضوع بود که استفاده مناسب از شبکه‌های اجتماعی همراه با فرهنگ‌سازی می‌تواند باعث رشد علمی کشور شود. چنانچه از طریق بررسی نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در کشورهای توسعه‌یافته مشاهده شد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی در این کشورها توانسته است در رشد اطلاعات و دانش افراد و افزایش قدرت مدیریت آنها در حوزه دانش مؤثر واقع شود. هر چند یافته‌های پیمایش در سطح ۷ دانشگاه ممتاز شهر تهران نشان داد که هنوز استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای مدیریت دانش در سطح مطلوبی نیست، اما چنانچه ملاحظه شد یکی از گویه‌های مرتبط با این موضوع در رتبه چهارم اولویت اول استفاده دانشجویان از شبکه‌های اجتماعی قرار دارد و برخی از گویه‌های دیگر مرتبط با موضوع مذکور نیز در رتبه‌های مناسبی قرار دارند. همچنین زمانی که از دانشجویان سؤال شد آیا تا کنون از شبکه‌های اجتماعی برای فعالیت‌های علمی، آموزشی و پژوهشی استفاده کرده‌اند، مشاهده شد که ۲۸۱ درصد دانشجویان گفتند که از شبکه‌های اجتماعی برای این موارد استفاده کرده‌اند و طبق پاسخ دانشجویان به گویه‌های مرتبط با جدول مذکور مشاهده کردیم که تنها ۸ درصد دانشجویان از هیچ یک از گویه‌های مرتبط با موضوع ذکر شده که شامل موارد وسیع تری نظیر اطلاع از همایش‌های علمی، اخذ مشاوره از اساتید و... می‌شود، استفاده نکرده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد انگیزه لازم برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای موضوع مذکور در دانشگاه‌ها وجود دارد و دلیل اینکه هم اکنون استفاده دانشجویان از شبکه‌های اجتماعی برای این امر در وضع مطلوبی نیست، به این دلیل است که ظرفیت فنی، فرهنگی و اجتماعی لازم برای استفاده

از شبکه‌های اجتماعی برای این امر فراهم نشده است. این امر بدان معناست که از یک سو بر خلاف بسیاری از کشورهای جهان، اولاً هیچ شبکه اجتماعی علمی تخصصی بومی برای استفاده‌های مبتنی بر مدیریت دانش در ایران طراحی نشده است، ثانیاً شبکه‌های اجتماعی علمی تخصصی خارجی به درستی به مردم معرفی نشده‌اند و ثالثاً فرصت‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برای موضوع یاد شده در میان اساتید و دانشجویان مغفول مانده است که این موضوع بیانگر ضرورت افزایش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی کاربران شامل اساتید و دانشجویان در فضای مجازی است. بنابراین با توجه به اینکه یافته‌های پیمایش حاکی از آمادگی دانشجویان برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای تبادلات علمی است، لازم است تا این تصور که شبکه‌های اجتماعی صرفاً ابزاری برای سرگرمی و اطلاع از اخبار سیاسی هستند، از اذهان خصوصاً ذهن سیاست‌گذاران پاک شده و به جای سیاست‌های محدودکننده نظیر فیلترینگ و... لازم است نحوه استفاده صحیح از شبکه‌های اجتماعی با هدف تبادل و به اشتراک‌گذاری هدفمند دانش و اطلاعات به عموم مردم و خصوصاً دانشجویان آموزش داده شود. علاوه بر این، استفاده اساتید و مدرسان دانشگاه‌های کشور همانند آنچه در کشورهای توسعه‌یافته مشاهده شد، می‌تواند یکی از راهکارهای گسترش اعتماد میان اساتید و دانشجویان و تقویت سرمایه اجتماعی اساتید و در نهایت مدیریت دانش با استفاده از ابزار شبکه‌های اجتماعی باشد. همچنین تلاش برای ارتقای سواد رسانه‌ای، اطلاعاتی و دیجیتالی جامعه از طریق رسانه‌های جمعی و بیان اهمیت نقش دانش در جهان امروز به‌عنوان جایگزین سایر منابع درآمدهای ملی از قبیل نفت و... از یک طرف و توجه به ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی برای تولید و به اشتراک‌گذاری دانش از سوی دیگر می‌تواند نویدبخش استفاده مناسب از شبکه‌های اجتماعی در راستای موضوع مذکور باشد. در نهایت ایجاد شبکه‌های اجتماعی علمی و تخصصی و تأکید بر انتقال دانش ضمنی از طریق شبکه‌های اجتماعی از دیگر راهکارهای ارتقای نقش شبکه‌های اجتماعی در موضوع مذکور و کم کردن آسیب‌های مربوط به شبکه‌های اجتماعی عمومی با هدف بالا بردن کارکرد شبکه‌های اجتماعی در ارتباط با موضوع یاد شده، مبادله و گردش اطلاعات و خلق ایده‌های نو است که به‌نظر می‌رسد همگی این موارد باید بیش از گذشته مد نظر قرار گیرد. البته نقش شبکه‌های اجتماعی در امر مذکور محدود به این موارد نیست و چنانچه ملاحظه شد شبکه‌های اجتماعی از طریق توسعه تبادل اطلاعات، تعامل و مباحثات علمی، شبکه‌سازی دانش، گردش نوآوری‌ها، پردازش اطلاعات و خلق دانش جدید، افزایش خلاقیت اعضای شبکه‌های اجتماعی، انتقال تجربیات اجتماعی، علمی و... افراد به یکدیگر، خلق دانش جدید شامل دانش صریح و ضمنی و تقویت سرمایه اجتماعی و نمادین دانشجویان و

اساتید دانشگاه‌ها (به عنوان عاملی برای افزایش انگیزه‌های علمی حضور در شبکه‌های اجتماعی و افزایش اعتبار اساتید) در امر یاد شده نقش دارند.

همچنین بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق برای اصلاح، بهبود و ارتقای وضع موجود علاوه بر آنچه پیش از این اشاره شد، لازم است تا ایجاد و توسعه شبکه‌های اجتماعی تخصصی بومی توسط دولت و حاکمیت، دانشگاه و بخش خصوصی فعال در حوزه آموزش و پژوهش مورد تأکید واقع شود. در این راستا نیاز است تا محتوای علمی تولید شده در دانشگاه‌ها مجدداً با رویکرد شبکه‌ای، بازتولید شده و در اختیار مخاطبان شبکه‌های اجتماعی قرار گیرد. همچنین لازم است تا از طریق اقدامات فرهنگی و اجتماعی، زمینه آشنایی دانشجویان با فرصت‌ها و کارکردهای مفید ناشی از شبکه‌های اجتماعی در حوزه مدیریت دانش فراهم شود. علاوه بر این، نیاز است تا از طریق الگوسازی، زمینه مشارکت فعال اساتید و دانشجویان در فضای مجازی با هدف رشد و توسعه علمی کشور فراهم شود. در نهایت نیازمند بازنگری در آیین‌نامه‌ها، قوانین و روش‌های حاکم بر نظام علمی، آموزشی و پژوهشی کشور هستیم تا اولاً نظام علمی کشور بتواند دانشجو را به سمت فعالیت‌های علمی جذب نماید، ثانیاً اساتید و دانشجویانی که خود را با نظام شبکه‌ای تطبیق داده و از طریق ایجاد قالب و تولید محتوا، در حوزه تولید و به اشتراک‌گذاری دانش فعالیت دارند، مورد تشویق واقع شوند. یکی دیگر از مواردی که لازم است مورد تأکید جدی واقع شود، حمایت از ایفای نقش انجمن‌های علمی دانشگاهی در جامعه شبکه‌ای است؛ چراکه در جامعه شبکه‌ای، انجمن‌های علمی دانشگاهی به دلیل ساختار خود می‌توانند بیش از گذشته به عنوان یک نهاد مؤثر در امر مذکور و همکاری‌های بین‌المللی و فناوری‌های نو ایفای نقش کنند.

البته ضرورت دارد تا علاوه بر این موارد، در زیست‌بوم دانشگاهی نیز اصلاحاتی صورت پذیرد که بخشی از آن ناظر به رفع نیازهای ضروری دانشجویان در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تفریحات و سرگرمی‌های دانشجویی است و بخشی از آن نیز ناظر به اصلاح ساختار دانشگاه با هدف جلب دانشجو به سوی اهداف علمی و دانشگاهی است. در این میان، «چرخش از آموزش به یادگیری در کل نظام آموزشی و دانشجو محور کردن فرایند آموزش و یادگیری» (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۴۳) در طراحی زیست‌بوم دانشگاهی کشور ضروری به نظر می‌رسد. در این شرایط به نظر می‌آید با اصلاح زیست‌بوم فضای مجازی، از یک طرف و اصلاح هم‌زمان زیست‌بوم دانشگاهی از سوی دیگر می‌توان امیدوار بود که بتوانیم شاهد تولید و به اشتراک‌گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان بیش از گذشته باشیم.

منابع

- 0 ابراهیم‌آبادی، حسین (۱۳۹۶) مطالعات فرهنگی و اجتماعی کلاس درس دانشگاهی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- 0 ابراهیم‌آبادی، حسین (۱۳۹۶) مطالعات فرهنگی و اجتماعی کلاس درس دانشگاهی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- 0 اشتیاقی، معصومه؛ علیزاده، توحید و کاظمیان، مهرداد (۱۳۹۱) اینترنت و هویت دینی دانشجویان، مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران، فصلنامه مطالعات ملی، ویژه‌نامه شماره ۲، سال سیزدهم.
- 0 انتظاری، محمدحسن (۱۳۹۵) نقد و بررسی سیاست‌های فرهنگی در فضای مجازی، ماهنامه مدیریت ارتباطات، شماره ۸۲.
- 0 ایسپا، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۹۴) یک نظرسنجی نشان داد: نیمی از ایرانی‌ها عضو شبکه‌های اجتماعی، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۶۶۷، صفحه ۲۶.
- 0 خانیکی، هادی (۱۳۹۶) چالش‌های دانشگاه در ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- 0 خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۷) دولت برای توسعه شبکه ملی اطلاعات ۳۷ میلیارد بودجه پیش‌بینی کرد، بازیابی شده در تاریخ ۱۰ دی‌ماه ۱۳۹۷ در <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/10/05/1908357>
- 0 دهقانی، محمدجواد (۱۳۹۷) نتایج رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی کشور در سال ۹۵-۹۶ منتشر شد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، بازیابی شده در تاریخ ۱ تیر ماه ۱۳۹۷ در <https://www.msrt.ir/fa/news/39706>
- 0 سلطانی‌فر، محمد (۱۳۹۴) مدیریت محتوا در شبکه‌های مجازی مهم‌ترین گزینه است، روزنامه قدس، بازیابی شده در ۲۰ اسفندماه ۱۳۹۶ در <http://qudsonline.ir/news/309147>
- 0 شواب، جان؛ آوجی، لوسیا و تاکرمن، برتا کاماچو (۱۳۹۶) ترجمه سیدمرتضی موسویان، کار شبکه‌ای: چگونه در شبکه سرویس‌ها و خدمات را ارائه دهیم، تهران: مرکز فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 0 عالم تبریز، اکبر و باقرزاده آذر، محمد (۱۳۸۷) گزینش استراتژی‌های مدیریت دانش با به‌کارگیری فرآیند تحلیل شبکه‌ای، فصلنامه دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، شماره ۲۴.
- 0 فیروزآبادی، ابوالحسن (۱۳۹۶) ۵ میلیارد تومان وام تشویقی برای حمایت از شبکه‌های اجتماعی داخلی، روزنامه همشهری، شماره ۷۲۹۹.
- 0 Barhouri, Chokri (2015) The Effectiveness of WhatsApp Mobile Learning Activities Guided by Activity Theory on Students' Knowledge Management, CONTEMPORARY EDUCATIONAL TECHNOLOGY, 6.

- 0 Bielaczyc, K & Collins, A (1999) Learning communities in classrooms: a reconceptualization of educational practice, Instructional design theories and models, 2.
- 0 Castells, Manuel (1993) European Cities, the Informational Society and the Global Economy, pp. 475-488, in R. T. LeGates and F. Stout (2003) The City Reader, London, Routledge.
- 0 Cross, K. P (1998). Why learning communities? Why now. About Campus, Volume 3, Issue 3.
- 0 Droge, C., Claycomb, C. AND Germain, R (2003) "Does knowledge mediate the effect of context on Performance? Some initial evidence", Decision Sciences, 14(3).
- 0 Giordano, C & Giordno, C (2011) Health professionals' students, use of social media, Journal of Allied Health, Volume 40, Issue 2.
- 0 Grosseck, Gabriela& Bran, Ramona and Tiru, Laurentiu (2011) Dear teacher, what should I write on my wall?A case study on academic uses of Facebook, Procedia Social and Behavioral Sciences, 15.
- 0 Huang, J.and Newell, S (2003) Knowledge integration Processes and dynamics within the context of cross_functional Projects,International Journal of Project Manage, 21(3).
- 0 Kirschner, P. A., & Karpinski, A. C (2010) Facebook and academic performance, Computers in Human Behavior, 26.
- 0 Margaryan, A, Littlejohn, A & Vojt, G (2011) Are digital natives a myth or reality? Students' use of digital technologies, Computers & Education, Volume ۵۶, Issue 2.
- 0 Rovai, A.P (2002) Development of an instrument to measure classroom community, Internet and Higher Education, 5.
- 0 Saad Mohamed, Hamza (2015) The Use of Social Media Among Public Relations Students in the UAE, International Journal of Customer Relationship Marketing and Management, Volume 6, Issue 2.
- 0 Strijbos, J.W & Fischer, F (2007) Methodological challenges for collaborative learning research, Learning and Instruction, Volume 17, Issue 4.